

تحلیل قانون جرایم رایانه‌ای در بستر جرم‌شناسی نظری

امین امیریان^۱

محمود مالمیر^۲

مسعود حیدری^۳

چکیده

با توجه به تحولات عظیمی که در عرصه تکنولوژی به وقوع پیوسته و انقلاب‌های مختلفی که در زمینه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در طی چند سال اخیر شاهد آن بوده‌ایم و با توجه به کارکرد مثبت این فن‌آوری اما گاه دیده می‌شود که بعضی از افراد سودجو و فرصت طلب با فراگرفتن داشتن و مهارت لازم در پی سوء استفاده از کاربران و همچنین ایجاد و بروز یک سری مشکلات هستند فضای سایبر، فرصت‌های تازه و بسیار پیشرفته‌ای را برای قانون شکنی در اختیار انسان می‌گذارد، هم‌چنین توان بالقوه ارتکاب گونه‌های مرسوم و کلاسیک جرایم را به شیوه‌های غیرمرسوم و بسیار جدید سوق می‌دهد تا مجرمان سایبری بتوانند در این کهکشان صفر و یک، هرآنچه می‌خواهند و در اندیشه دارند، به منصفه ظهور برسانند و این سبب می‌شود که در جهت حمایت از کاربران و بازیگران این فضا یک قانون مدون تدوین گردد. پژوهش حاضر به بررسی جرم‌شناختی جرایم رایانه‌ای در بستر نظریات جرم‌شناسی، پرداخته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به این برآمد و نتایج رسیده است که قانون جرایم رایانه‌ای با تاسی از نظریات فشار و تقلید دست به جرم‌انگاری زده است.

واژگان کلیدی: جرائم رایانه‌ای، فضای مجازی، نظریات جرم‌شناسی، کیفر شناسی،

بزه دیده

۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی. amirian.amin@yahoo.com

۲ دانشیار گروه حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

dr.malmir1@gmail.com

۳ استادیار گروه حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

masoud_heidari7@yahoo.com

مقدمه

پیدایش فضای مجازی در چند دهه‌ی اخیر یکی از بزرگ‌ترین نمادهای تحول جهانی است. رخدادی که تأثیرات شگرف آن هر روز در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی نمود بیشتری پیدا می‌کند. هرگونه تغییر و تحول در دنیای کنونی به دلیل پیچیدگی فعالیت‌های انسانی، خواه ناخواه آثار و پیامدهایی به همراه خواهد داشت. به گونه‌ای که با اختراع وسیله‌ای جدید، در کنار استفاده‌ی صحیح و مشروع از آن، همواره امکان سوءاستفاده از آن‌ها وجود دارد. در این راستا علم حقوق، به عنوان حامی عدالت و موجد توازن در جامعه انسانی، هر آنچه را که کوچک‌ترین خدشه‌ای به این توازن وارد نماید، تحت پوشش قرار داده و سعی در رفع یا پیشگیری از آثار نامطلوب آن می‌نماید. فضای سایبر، که حاصل پیشرفت‌های علمی و صنعتی در قرون اخیر است، از این قاعده مستثنی نبوده و آثاری به صورت مثبت و منفی در زندگی بشر وارد نموده است که ضرورت مطالعه آن را انکارناپذیر می‌نمایاند.

جرم رایانه‌ای جرمی است وارداتی که با ورود کامپیوتر در استفاده از اینترنت در سطح گسترده در کشور رواج پیدا کرده است و ورود اینترنت به کشور از سال ۱۳۷۰ و آغاز شد و در سال ۱۳۷۲ به تکامل رسد اما در این چند سال نبود قانونی مدون باعث گردید که بسیاری از مجرمین رایانه‌ای از زیر مجازات فرار کنند و به جرائم خود ادامه دهند و استناد آن‌ها نیز به اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات بود که استناد درستی هم بود با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، مفاهیم و جرائم تازه‌ای در حقوق کیفری ایران خلق شد که هر یک نیازمند بررسی‌های دقیق و کارشناسانه می‌باشد وقتی در خصوص فناوری بحث می‌شود، نمی‌توان رایانه را نادیده گرفت. رایانه هم خود بزرگ‌ترین فناوری عصر حاضر است و هم سایر فناوری‌های نوین یا به و وسیله آن و یا بر بستر آن شکل می‌گیرند البته فناوری‌ها در کنار مزایای خود می‌توانند بستر ساز سوءاستفاده‌هایی نیز باشند. به خصوص اگر این فناوری، رایانه باشد، دامنه خطرهای آن افزایش می‌یابد. حقوق کیفری نوین، امروزه با جرائم و مجرمین رایانه‌ای باشد، دامنه خطرهای آن افزایش می‌یابد. حقوق کیفری نوین،

امروزه با جرائم و مجرمان رایانه‌ای طرف است. ماهیت و ویژگی این دسته از جرائم به نحوی اساسی با جرائم سنتی تفاوت دارد. امروزه، مجرمان رایانه‌ای در مکان‌هایی به غیر از نقاطی که آثار و نتایج اعمال آن‌ها ظاهر می‌شود، قرار دارند. در صورتی که کارایی قوانین جزایی موجود و متداول، منحصر به قلمرو خاصی است و به دلیل آنکه اجزای عنصر مادی کاملاً یا بعضاً تغییر یافته و برخی عناوین مجرمانه تازه هم به وجود آمده است، نمی‌توان مجرمان را با قوانین قبلی محاکمه کرد.

فضای سایبر یا به عبارتی فضای مجازی محدودیت‌های زمانی، جغرافیایی و فضایی که بشر امروز با آن در ستیز است را از بین خواهد برد. امکانات عصر مجازی در مقایسه با عالم واقع بسیار زیاد است، به عنوان مثال، اقتصاد مجازی، تجارت مجازی، بانکداری مجازی، آموزش مجازی، دولت مجازی، ادارات مجازی، شرکت‌های مجازی، پول مجازی و خدمات و تفریحات مجازی بخشی از آن‌ها می‌باشند. با توسعه و تحول اینترنت و پیشرفت علم الکترونیک، در مقابل انقلاب عظیمی در ایجاد جرائم در سطح بین‌المللی به وجود آمده است. لذا در بیشتر کشورهای دنیا جرائم اینترنتی به‌عنوان یک معضل حاد و بسیار مهم تلقی می‌گردد و دولت‌ها درصدد پیدا نمودن راه حل‌های مختلفی در جهت جلوگیری از وقوع آن می‌باشند. در حال حاضر جرائم سایبر با اشکال مختلفی صورت می‌پذیرد که مجرمین محیط سایبر شامل هکرها، کرکرها، فریک‌های تلفن و انواع جرم‌های ممکن با نام سایبرکرایم آن را انجام می‌دهند.

جرم‌شناسی جرایم رایانه‌ای به مطالعه عوامل ایجاد جرم در فضای مجازی و تأثیرات آن بر دنیای حقیقی و راهکارهای پیشگیری از حدوث این‌گونه جرائم می‌باشد. مطالعات عینی پرونده‌های جرائم رایانه‌ای نشان می‌دهد ایجاد شخصیت جرائم فضای مجازی با ذهنیت عدم شناسایی و البته سهولت و گستردگی ارتکاب برخی بزه‌ها در این فضا بستر مناسبی را برای بروز خلأهای شخصیتی و روانی فراهم می‌سازد لذا ما بر این باور هستیم که شخصیت واقعی یک بزهکار رایانه‌ای را باید در همان شخصیت مجازی وی جستجو کرد به دیگر سخن شخصیت مجازی که بزهکار رایانه‌ای از خود ساخته است در واقع همان (خود واقعی) اوست که به دلایل مختلف

امکان بروز آن در دنیای حقیقی را نداشته است. لذا پژوهش حاضر در پی تحلیل نظریات جرم‌شناسی و انعکاس آن در قانون جرایم رایانه‌ای و تحلیل سیاست افتراقی کیفری در بستر آموزه‌های جرم‌شناسی می‌باشد.

۱- نظریات حاکم بر جرم‌شناسی رایانه‌ای

در این قسمت به تناسب موضوع پژوهش، برخی نظریات جرم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل‌گزینش این نظریات از سوی نگارنده، قابلیت و ظرفیت‌های موجود آنها در بستر فضای سایبر و اثر آن‌ها در اندیشه جرم‌انگاری قانونگذار می‌باشد.

۱-۱- نظریه خنثی‌سازی^۴

مدت زمان نسبتاً مدیدی است که دانشمندان علوم اجتماعی و جرم‌شناسان، در تلاش برای کشف ریشه‌های بزهکاری مجرمان رایانه‌ای صرفاً به تحقیق در ذهن و روان و اختلالات بدنی آنها نمی‌پردازند، در حال حاضر این نظریه تا میزان زیادی قابل توجه قرار گرفته است که بزهکاری مجرمان رایانه‌ای مانند بیشتر رفتارهای اجتماعی در طی فرآیند تعاملات اجتماعی با محیط پیرامون صورت می‌پذیرد.

بانی نظریه خنثی‌سازی معتقد است که علت بزهکاری مجرمان رایانه‌ای را باید در موقعیت‌های خاصی جستجو کرد که مجرمان رایانه‌ای در آن قرار دارند. یعنی محیط پیرامون و محیطی که آنها را دور هم جمع می‌کند این محیط تا پیش از این محصور و محدود بود، محیط‌هایی چون ورزشگاه، مدرسه، اردوهای علمی و ... اما اکنون این فضای مجازی و بطور خاص شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که محل جمع شدن دیدار و ارتباط و تعامل کودکان و نوجوانان هستند؛ به طوریکه آمار و ارقام موسسات و مراکز تحقیقاتی و نظارتی نیز بر این امر دلالت دارد. نجفی ابرنآبادی، (۱۳۸۴، ۲۰۶۳)

اینگونه تشکل‌ها به کودکان و نوجوانان اجازه می‌دهد که استرس و مقطع سنی خویش را تا حدودی خنثی نموده و احساس همبستگی کنند. لکن برخی از این تشکل‌ها ممکن است منجر به وضعیتی گردند که بزهکارانه قلمداد می‌گردد. به عبارت دیگر تشکل و همبستگی افراد در فضای مجازی این کارکرد را دارد که فشارها را بهتر تحمل کرده و احساس تنهایی نکنند اما ممکن است همین تشکل که ابتدا برای ارتکاب

جرم تشکیل نشده است، به بستری برای ارتکاب جرم تبدیل گردد. به ویژه در شرایطی که فرد موفق به ورود به فعالیت‌هایی که هویت اجتماعی برایش ایجاد می‌کند، نشود، حضور در تشکل‌ها و جمع‌های اینچنینی برای او دائمی شده و بسترساز ارتکاب جرم می‌گردند.

همانگونه که متزا معتقد است، بزهکاری به چند دلیل در چارچوب این تشکل‌ها به وجود می‌آید و در حال حاضر نمود این دلایل در حوزه فضای مجازی نیز به صراحت قابل مشاهده و درک است. این دلایل عبارتند از:

۱. انکار و خودداری از قبول مسئولیت اعمال و رفتار خود. بدین گونه که خود بزهکار در برخی موارد عمل مجرمانه و یا منحرفانه خود را به بهانه اجبار و محرک‌های کارساز توجیه نموده و برای خود دلیل تراشی می‌کند. برای مثال یکی از رایج‌ترین دفاعیات در برابر جرایم ارتكابی چون دسترسی غیرمجاز به داده‌ها در فضای مجازی و یا هک کردن، این است که این عمل را به عنوان سرگرمی و به دلیل نداشتن اوقات فراغت و مشغله خاص انجام داده است.

۲. نکته دوم انکار زیان دیده و کوچک جلوه دادن خطای ارتكابی و خساراتی است که به بزه‌دیده حقیقی یا حقوقی وارد شده است و حتی فراتر از این انکار وضعیت بزه‌دیدگی مجنی علیه وجود دارد. نکته قابل توجه در این خصوص این است که به دلیل ماهیت فضای سایبری و عدم ملموس بودن نتایج برخی از اعمال که از شاخصه‌های این محیط است این دلیل به عنوان یکی از دلایل عمده ارتكاب جرایم سایبری از سوی افراد به‌ویژه مجرمان رایانه‌ای مطرح است. بزه‌کارانی که با فشردن چند کلید اقدام به اخلال گسترده در تارنماهای خدمت رسان عمومی می‌نمایند. شاید در ابتدای امر و حتی پس از ارتكاب جرم نیز نتایج زیان بار عمل خویش را بسیار ناچیز بشمارند.

۳. محکوم کردن متصدیان و کنترل‌کنندگان محیط. مجرمان رایانه‌ای به دلیل ناعادلانه دانستن برخی محدودیت‌ها اقدام به بروز رفتارهای بزهکارانه از سوی خود می‌نمایند. به عنوان مثال برخی از آنها با عدم درک صحیح مصلحت فیلترگذاری برخی تارنماها همانند تارنماهای مرتبط با بازی‌های رایانه‌ای با استفاده از ابزارهای فنی

و ارتکاب جرم اقدام به نقض قواعد و هنجارهای حاکم بر فضای مجازی می نمایند. چرا که ایجاد محدودیت در دسترسی به چنین محتوایی را ناعادلانه و تبعیض آمیز می دانند. بدین ترتیب نظریه متزا مبتنی بر این عقیده است که بزهکاری نیاز به فراگیری همزمان روش‌های خنثی سازی موانع درونی فرد دارد. خنثی سازی این موانع، ارتکاب جرم را برای فرد عملی مشروع جلوه داده و تسهیل می کند. لذا با توجه به کارکردهای گسترده فضای سایبری و تأثیرات شگرف آن بر کاربران عوامل خنثی ساز و توجیه کننده به گونه مؤثرتری نیروی وجدان یا «پلیس درونی» را در راستای ارتکاب جرم تضعیف می نمایند.

2-1- نظریه کنترل اجتماعی

یکی از اولین مفهوم سازی های جامع و کامل از پیوند بزهکاران رایانه‌ای با محیط پیرامونی مانند مدرسه و ... مربوط به نظریه کنترل اجتماعی هیرشی می باشد. نظریه کنترل اجتماعی یا نظریه پیوند اجتماعی در ابتدا به وسیله هیرشی برای توضیح دلایل جرم مطرح شد. او در کتاب دلایل بزه کاری از انواع متفاوت پیوندهای اجتماعی افراد با جامعه صحبت می کند. او بیان کرد که جرم و بزه نتیجه پیوندهای ضعیف یا قطع شده با جامعه و محیطی است که فرد در آن قرار دارد. به اعتقاد او چهار عنصر برای پیوند اجتماعی وجود دارد: پیوستگی، پایداری، نقش آفرینی و باور (رضایی، ۱۳۹۱: ۸۶)

۱-۲-۱- پیوستگی^۶

پیوستگی، نخستین جنبه از نظریه پیوند اجتماعی است. گونه‌های انحراف در دنیای سایبر، نشان می دهد که جنبه‌های خاصی از محیط برخط، فضایی اجتماعی را پدید می آورد که تمامیت پیوندها، در ناپایداری همیشگی قرار می گیرند. با تزلزل چنین پیوندی، مجرمان رایانه‌ای و نوجوانان از گروه اصلی جدا شده و در پذیرش و توجیه

5 - Inner Police

6 affiliation. Clark, L.S., Dating on the net: teens and the rise of pure relationships, in S. Jnes (ed) Cybersociety 2.0, London: Sage, p87

عقلانی قواعد، مقررات و عرف‌های گروه دچار مشکل می‌شوند مجرمان رایانه‌ای عمدتاً برهم کنش برخط را تخیلی یا بازی می‌انگارند که این امر باعث می‌شود تا خودشان را از ارزش‌ها و هنجارهای گروه متمایز بدانند؛ لذا ممکن است که زشتی هر رفتار ضد اجتماعی یا منحرفانه‌ای از سوی آنها به منزله یک جریان رفتاری معتبر توجیه شود، به این دلیل که راه انتخابی آنها میان رفتار و پیامدهای برخط، جدایی انداخته است. (جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

از سویی دیگر هنگامی که روابط برخط از بین می‌رود، پیوستگی نیز دچار مشکل می‌شود. ساختار روابط صمیمی برخط، برای بسیاری از مجرمان رایانه‌ای و افراد به سرگرمی تبدیل شده است، با این حال توانایی برقراری روابط پایدار و جدی برخط برای بیشتر آنها دشوار به نظر می‌رسد. این وضعیت نسبت به میزان پیوستگی با دنیای سایبر پیامدهایی دارد و سرانجام می‌تواند به سست شدن پیوند فرد با اجتماع بینجامد. برخی از مجرمان رایانه‌ای تصور می‌کنند که روابط تنها زمانی برقرار می‌شوند که افراد رابطه، واقعاً برخطند؛ لذا هنگامی که دستگاه خاموش می‌شود، این روابط ناگهان پایان می‌یابند. این دیدگاه آشکارا در برابر بحث‌های راجع به بناسازی ارتباطات در دنیاهای سایبر قرار می‌گیرد که یک ویژگی سازنده و یادآور پایداری از روابط است و نشان می‌دهد که کودکان و نوجوان هنوز قدرت تصور انتزاعی را آنگونه که لازم است، ندارند.

بدین ترتیب میزان گوناگون پیوستگی، ممکن است به میزان گوناگون پذیرش هنجارها و ارزش‌های گروه اکثریت منجر شود. مجرمان رایانه‌ای و افرادی که از گروه اکثریت جدا می‌شوند، خطر نقض قواعد و مقررات را پدید می‌آورند. بدین ترتیب، مجرمان رایانه‌ای، از آنجا که تجربه‌های برخطشان را همانند بازی یا سرگرمی می‌دانند، به دلیل پنداری که از گسستگی بین رفتار و پیامدهای برخطشان دارند، بیشتر در معرض ارتکاب رفتارهای پرخطر هستند. لذا از آنجا که هنجارها و ارزش‌های گروهی را نپذیرفته‌اند و باور دارند که تجربه برخط، از لحاظ اجتماعی معتبر نیست، به دنبال زدودن قبح رفتارهای انحرافی اند و این رفتارها را پذیرفتنی می‌بینند.

۱-۲-۲- پایبندی^۷

عنصر دوم نظریه پیوند هیرشی، پایبندی است. بزهکارانی که به یک جنبه خاص رفتاری، در دنیای سایبر پایبندند، مانند مقبولیت، تأیید یا دستیابی به یک آبروی نیک، از سازگاری بالایی برخوردارند. شناخته شدن به عنوان یک سازنده ماهر و برداشتن گام‌هایی برای نقش آفرینی در رویدادها و سازمان‌های اجتماعی، رفتارهایی هستند که تاحدی به پایبندی وابسته‌اند و فاصله گرفتن از این جنبه‌های رفتاری، پیامدهایی را به دنبال دارد. پیگیری رفتارهای منحرفانه، آبرو و دسترسی به برخی سازمان‌ها و حتی خود اجتماع دنیای سایبر را به خطر خواهد انداخت. بدین ترتیب می‌توان سخن از نوعی همبستگی منفی میان پایبندی و بزهکاری و رفتارهای ناهنجار مجرمان رایانه‌ای در فضای سایبر گفت که در تعاملات این گروه از افراد با فضای مجازی شایان توجه است.

۱-۲-۳- نقش آفرینی

نقش آفرینی مثبت در اجتماع، به درگیری ذهنی در فعالیت‌های گوناگون قانونی بستگی دارد. مجرمان رایانه‌ای و افرادی که به کارهای مثبت می‌پردازند، زمانی برای شرکت در کارهای منحرفانه‌ای که منشا رفتارهای مجرمانه است، ندارند. فراهم آوردن فرصت‌هایی که روند شکل‌گیری رفتارهای انحرافی را از بین ببرد، مانند تأسیس مرکز نوجوانان، داوطلب شدن برای سازمان‌های اجتماعی در فضای سایبر و برگزاری بزرگداشت‌ها، بر بسیاری از نوآوری‌های راجع به کاهش جرم برتری دارد. بسیار دیده شده است که مدیران یا معلمان مدارس نیز نوجوانان و مجرمان رایانه‌ای شلوغ را در کارهای مختلف مدرسه دخالت می‌دهند تا هم به نوعی روی ایشان کنترل داشته باشند و نیز از انرژی آنها به طور مؤثری بکاهند.

۱-۲-۴- باور

آنچه مشخص است این است که نظام باور همگانی در هر جامعه‌ای وجود دارد، هر چند ساختار خرده فرهنگ‌ها نیز نظام باور خود را داراست. محیط سایبر را خواه یک جامعه در نظر بگیریم و خواه یک خرده فرهنگ، از این امر مستثنی نیست. بنابراین در

اینجا مجرمان رایانه‌ای که هنوز در سیر مواجه با نظام باور و هنجارهای جامعه، به دنبال تثبیت هویت خویش می‌گردند به یکباره خود را در مقابل نظامی دیگر از هنجارها و باورها می‌بینند که به نظر می‌رسد این محیط جدید، محدودیت‌های محیط پیشین را ندارد؛ دنیای سایبر، موقعیتی خاص در مورد باورهای مربوط به اعتبار اخلاقی قواعد اجتماعی را دارد. فضای سایبر، مکانی برای گردهمایی جهانی است، مکانی بدون محدودیت‌های ناشی از مرزبندی‌های ملی که بر این اساس، افراد با فرهنگ‌های ناهمگون و دور ارتباط می‌یابند. این امر به ویژه از این جهت حائز اهمیت است که مجرمان رایانه‌ای در دوران جامعه پذیری و اجتماعی شدن، هنجارها و ارزش‌های گوناگونی را تجربه می‌کند که به انتخابی شدن فرآیند اجتماعی شدن منجر می‌شود.

این ترکیب فرهنگی اگرچه منبعی برای پرمایه شدن برهم کنش‌هاست، اما همزمان نوعی چالش برانگیز بودن را نیز در مجرمان رایانه‌ای اثبات می‌کند. بدین شکل که اکنون بزهکار در معرض تردید در ارزش‌ها و هنجارهای از قبل دیکته شده قرار می‌گیرد؛ با آشنایی با فرهنگ‌ها و نظام‌های اخلاقی گوناگون در فضای جدید و گاهی مواجهه با مفاهیمی که فارغ از قیود اخلاقی تعریف شده‌اند، در مفاهیم آموخته پیشین نوعی نسبت احساس می‌کند؛ هنجاری‌هایی که پیش از این احساس می‌شد که ضروری و قطعی است، اینک دلیلی برای وفاداری به این هنجارها وجود ندارد. (جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۶۹)

هنجارهای دو دنیای گوناگون در ذهن مجرمان رایانه‌ای و نوجوانان به خنثی کردن یکدیگر می‌پردازند، علاوه بر این اگر بپذیریم که اجتماعات و ملت‌ها، فعالانه و با مرزبندی‌های مشخص ایجاد شده‌اند، به گونه‌ای که سبک برهم کنش چهره به چهره اجتماع‌های گفتاری با همزمانی خیالی یک وجود در دنیای سایبر، جایگزین شده است، قوانین این اجتماع برخط به اندازه قوانینی که بر اجتماع برون خط اعضا حکومت می‌کند، اعتبار دارد

۱-۳- نظریه تعارض‌های فرهنگی

این نظریه با نام دو استاد مکتب شیکاگو، به نام‌های «میرث» و «سلین» عجین شده است. این نظریه به تبیین چرایی بزهکاری خارجی‌ها می‌پردازد. وقتی فردی از یک محیط که دارای یک فرهنگ متفاوت با محیطی که مهاجرت به آن کرده است، با تعارضاتی روبرو می‌شود که اگر توانست خود را با فرهنگ محیط جدید تطبیق دهد، زمینه بزهکاری و کجروی بر طرف می‌شود اما اگر به دلایلی همچون عدم درک زبان و فرهنگ آن محیط جدید نتوانست خود را تطبیق دهد با آن فرهنگ زمینه‌های بروز جرم و کجروی ایجاد می‌شود.

سلین معتقد است که تعارض فرهنگ‌ها در سه بستر ممکن است اتفاق بیفتد:

۱- زمانی که مرز مناطق فرهنگی به هم نزدیک باشد مثل مناطق مرزی ایران و

عراق

۲- استعمار سبب می‌شود که کشور استعمارگر با استعمار یک کشور، فرهنگ خود را در آن کشور غالب کند.

۳- مهاجرت وقتی که فرهنگ بومی از طریق مهاجرت به کشور جدیدی انتقال یابد. در نگاه اول شاید این سؤال ایجاد شود که این نظریه چه ارتباطی با فضای سایبر و بزهکاری مجرمان رایانه‌ای دارد، اما با کمی مذاقه در این موضوع روشن می‌شود که بزهکار ناخواسته بدون آنکه متوجه باشد با دنیای متفاوت از محل زندگی خود روبرو می‌شود که سرشار از اطلاعات و مؤلفه‌های فرهنگی گوناگون است. به نوبه‌ای می‌توان دسترسی به این فضا را شبیه به مهاجرتی موقت به طور مجازی به اقاصا نقاط عالم دانست. فرد در این مدت استفاده از فضای مجازی دچار تعارضات و سؤالات گوناگون در رابطه با فرهنگ‌های متفاوت می‌شود. فکر کنید یک فرد ایرانی که در طول دوران زندگی خود با مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی آشنا و تربیت شده است و این امور در وجدان خود به عنوان قوه کنترلی انسان جای داده است، در فضای سایبر با یک فرهنگ بیگانه با مؤلفه‌های متعارض با فرهنگ اسلامی ایرانی روبرو می‌شود، در ابتدای امر شاید تأثیر چندانی این دوگانگی و تعارض در رفتار فرد نداشته باشد، اما به مرور زمان به میزان استفاده و علاقه‌ای که برای فرد در این فضا ایجاد می‌شود، سوق به هم‌رنگی و تطابق خود با فرهنگ بیگانه پیدا می‌کند. (پور قهرمانی، ۱۳۸۸، ص ۶۳)

حال فرد ناخواسته دست به کارهایی می‌زند که با توجه به فرهنگ بیگانه جرم و یا حتی ناهنجاری تلقی نمی‌گردد اما مطابق قانون سرزمینی که در آن زندگی می‌کند جرم می‌باشد. به عنوان مثال وقتی فرد با یک فضای نابهنجار از نظر روابط جنسی در فضای مجازی روبرو شده باشد، به مرور زمان این فرد تصور می‌کند این اعمال نه تنها زشت و ناپسند نیست، بلکه اموری پسندیده و رایج است. این تصور ناصواب فرد منجر می‌شود که این کودک در دنیای واقعی خود دست به این اعمال ناپسند بزند. شایان ذکر است که هرچقدر فرد نسبت به فرهنگ کشور خود ناآگاه و بیگانه باشد، بروز این رفتارهای خط‌کج‌روی در نتیجه تأثیر فضای سایبر به حداکثر می‌رسد. در این زمینه در خصوص اطفال نباید از نقش خانواده در خنثی‌سازی این اثرات سوء فضای سایبر غافل بود. خانواده در نقطه‌ای قرار دارد که می‌تواند فرد را با فضاهای سالم و مفید سایبر آشنا بنماید و بعد از آن در تمام اوقات، استفاده فرد از فضای سایبر او را همراهی کند و در صورت بروز تعارضات فرهنگی به دلیل استفاده از این فضا از غنی و مفید بودن رعایت مؤلفه‌های فرهنگی سرزمین خود و پوچ بی فایده بودن برخی از امور فرهنگی کشورهای بیگانه بنماید.

۱-۴- نظر به فشار^۹

بزه‌کارانی که در فضای سایبر از میزان بهره‌مندی افراد همسن و سال خود در یک کشور دیگر آگاه شده‌اند را در نظر بگیرید؛ نمی‌توان به راحتی آنها را متقاعد کرد که این سطح برخورداری از امکانات برای آن فرد ناشی از تفاوت ساختار و پیشرفت آن جامعه است؛ گرچه این فشار و تنش را نمی‌توان مختص فضای سایبر دانست. مثلاً بزه‌کار در محیطی که زندگی می‌کند و حتی از خلال سایر رسانه‌ها همانند تلویزیون و... نیز با این قبیل مسائل روبرو می‌باشد، اما این محیط از نظر تعریفی که از آمال و آرزو و نیز ارزش‌ها کرده است با فضای مجازی که احتمالاً تعاریفی متفاوت از آمال و آرزوها و ارزش‌ها ارائه می‌دهند، تفاوت فاحشی دارد. به ویژه اینکه فضای مجازی این قابلیت را دارد که فرد را در موضع تجربه بسیاری از آمال و آرزوها و ایده‌آل‌ها قرار دهد، در حالیکه در خصوص رسانه‌افراد صرفاً به عنوان یک مخاطب و در قالب دریافت‌کننده

ارتباط دارند. (مالمیر، ۱۳۹۶)

به ویژه در کشور ما، که افراد در محیطی بزرگی می‌شوند که حداقل از منظر تئوریک آرمان‌ها و آرزوهای بهنجار و مشروعی برای آنها تعریف شده و امکان دستیابی حداقلی آن با وسایل موجود وجود دارد، این امر ملموس تر به نظر می‌رسد؛ به طوریکه فرد پس مواجهه با آرمان‌ها و آرزوهای متفاوت و متعارض با مبانی اخلاقی و فرهنگی محیط خود، در فضای سایبر، دچار نوعی تعارض می‌گردد. در این صورت است که نه تنها در این شرایط با تنش و فشار ناشی از عدم دستیابی به این آمال روبرو می‌شود، بلکه در آن واحد باورهای او در حال تزلزل و سست شدن قرار می‌گیرد و همچنین امکان دستیابی حداقلی به این اهداف نه تنها با وسایل مشروع تعریف شده موجود ممکن نیست، بلکه تنها راهی که برای دستیابی به این اهداف دارد، انحراف و بزهکاری می‌باشد.

تفسیر مرتون از «بی‌هنجاری» شکاف میان اهداف و ارزش‌های فرهنگی و ابزارهای مشروع و قانونی موجود برای رسیدن به این اهداف را به خوبی آشکار می‌سازد. رسانه‌های گروهی و به ویژه صنعت تبلیغات در فضای مجازی، فشار بسیار زیادی را بر افرادی که ابزارهای بسیار محدودی برای دستیابی به موفقیت از مجراهای قانونی و طبیعی دارند وارد می‌کند، زیرا این تبلیغات منشأ بروز حجم زیادی از مطالبات برآورده نشده با فرصت‌های بسیار اندک برای رسیدن به آن خواهد شد. این وضعیت موجب می‌شود برخی از افراد اجتماع به ویژه نوجوانان و جوانان، دستیابی به اهداف و ارزش‌های رایج جامعه را از مسیرهای نامشروع و غیر قانونی جستجو کرده و در نتیجه به سمت بزهکاری روی آورند. (Merton, 1938, P3)

جرم زمانی اتفاق می‌افتد که شخص به ارتکاب آن گرایش پیدا کرده یا تحریک شده باشد. اغلب نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌گیری استعداد مجرمانه اشاره کرده‌اند. شاید مؤثرترین نظریه جامعه‌شناسی در مورد چگونگی شکل‌گیری انگیزه مجرمانه، برداشت مرتون از نظریه «بی‌هنجاری» است. مرتون تعبیر اصلاح شده‌ای از مفهوم «بی‌هنجاری» دورکیم متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن امریکا بکار می‌برد و به این نتیجه می‌رسد

که دو رکن برای ایجاد شرایط بی‌هنجاری احتمالی با یکدیگر تعامل دارند: نخست تعریف هدف‌ها از نظر فرهنگی؛ دوم، ابزارهای مورد تأیید جامعه برای رسیدن به آن اهداف. از نظر مرتون، فرهنگ امریکایی بر هدف‌هایی مانند رسیدن به ثروت، قدرت و موفقیت تأکید می‌ورزد و از نظر جامعه ابزارهای قابل قبول برای دستیابی به این اهداف، عبارت است از سخت کار کردن، بالابردن سطح تحصیلات و کسب تخصص. مرتون معتقد است که در جامعه امریکا ابزارهای مشروع برای به دست آوردن ثروت در میان طبقه‌ها و موقعیت‌های خاص لایه بندی شده است. از این رو، کسانی که تحصیلات بالا و یا منابع اقتصادی لازم را در اختیار ندارند، به زودی به این نتیجه خواهند رسید که از توانایی لازم برای دستیابی مشروع به ثروت (یعنی یکی از نمادهای عمده موفقیت) محروم‌اند. بنابراین، وقتی رسیدن به هدف‌هایی مانند شغل، مسکن و درآمد مناسب از نظر اجتماعی ترویج شد و در سراسر جامعه به طور یکنواخت پذیرفته شد، ولی دسترسی به ابزارهای مشروع برای رسیدن به آن اهداف، در انحصار یک طبقه یا موقعیت خاص قرار گرفت، فشار ناشی از آن در میان کسانی که فرصت‌های مشروع و قانونی رسیدن به آن اهداف را ندارند، یک وضعیت بی‌هنجاری ایجاد می‌کند. در نتیجه، این افراد ممکن است از راه‌های نامشروع و مجرمانه، برای حل مشکل و دسترسی به آن اهداف استفاده کنند (Wadsworth, 2003, P193).

در این میان، رسانه‌ها نقشی کلیدی در تبیین شکل‌گیری این «فشار ناشی از خلاء هنجاری»^۱ که محرکی برای ارتکاب جرم است، ایفا می‌کنند. رسانه‌ها ممکن است با ارائه تصاویری از چشم و هم‌چشمی عمومی در مورد برخورداری از یک زندگی مرفه، احساس محرومیت نسبی را تشدید کنند و موجب وارد آمدن فشار برای رسیدن به سطوح بالای موفقیت، صرف نظر از مشروعیت ابزارهای مورد استفاده شوند.^۱ بحث

^۱ - Anomic Strain

۱۱ کمیت مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری در فرانسه در توصیه شماره ۴۱ خود در زمینه رسانه‌های گروهی یادآور می‌شود برای کاهش عادت و خو گرفتن جوانان به خشونت، به نظر می‌رسد که شبکه‌های تلویزیونی مختلف، باید کوشش‌هایی به منظور محدود کردن تعداد برنامه‌های خشن به عمل آورند یا دست کم زمان بندی نمایش آنها را تغییر دهند و به عقب بیندازند.

تبلیغات و این که کمیت تبلیغات ارائه شده در برنامه‌های تلویزیونی تا چه اندازه به تغییر ارزش‌ها کمک کرده و تحولات رخ داده در کمیت و کیفیت تبلیغات به ویژه در سال‌های اخیر، نشانگر آن است که شکاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و انتظاراتی که برآورده نمی‌شوند، از رهگذر تبلیغات شدت بیشتری می‌یابند و ارزش‌های مادی نمود بیشتری پیدا می‌کنند. نظریه‌های روانشناسانه در مورد ایجاد انگیزه برای ارتکاب جرم نیز اغلب حکایت از تأثیرگذاری رسانه‌ها در این فرآیند دارند. برای نمونه، نظریه‌های بسیاری مدعی شده‌اند تصاویری که از جرم و خشونت در رسانه‌ها ارائه می‌شود، یکی از شکل‌های «یادگیری اجتماعی» است و ممکن است افراد از رهگذر آثار تقلیدی یا تحریکی آن، با از میان بردن کنترل‌های درونی ناشی از مهارزدایی و حساسیت زدایی، به دلیل مشاهده مکرر تصاویر جرم و انحراف به ارتکاب جرم ترغیب شوند.

۱-۵- نظریه یادگیری مشاهده‌ای

آلبرت بندورا صاحب نظریه یادگیری اجتماعی^۱ که به نام‌های یادگیری تقلیدی و جانشینی نیز شهرت دارد، معتقد است بیشتر یادگیری‌های طفل نه از طریق تجربه مستقیم بلکه به واسطه تجربه غیرمستقیم و شاهد و ناظر بودن بر تجربه دیگران، حاصل می‌شود. مکانیزم این نوع از یادگیری، تشویق و تنبیه است. یعنی اگر فرد شاهد رفتاری باشد که به دلیل آن رفتار، تشویق گردد، میل به تکرار آن رفتار به صورت تقلیدی در فرد ایجاد و افزایش می‌یابد و اگر شاهد رفتاری باشد که به جهت آن، تنبیه می‌گردد، میل به اجتناب و کناره‌گیری از آن رفتار در فرد ایجاد می‌شود. چون حجم مشاهدات

۱۲. از جمله تحقیقات مهم در این زمینه، تحقیق دکتر فرامرز رفیع پور با عنوان «رسانه‌ها و تغییرات اجتماعی» است که در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. در این تحقیق، موضوع رسانه‌ها (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، و فیلم‌های ویدئویی) در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۲ مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در سال ۱۳۶۵ آنچه در این رسانه‌ها بیشتر تبلیغ و تاکید شده و محتوای ارزشی آن‌ها را تشکیل داده، بحث عدالت خواهی بوده است. ولی در سال ۱۳۷۲ جهت‌گیری ارزش‌ها در محتوای رسانه‌ها ناظر به مسایل دنیایی و نابرابری بوده است.

اجتماعی در زندگی روزمره بسیار است، بنابراین قسمت عمده یادگیری‌ها نیز در این ارتباط، انجام می‌شوند (براهنی و دیگران، ۱۳۶۶، ۵۶۹). این تعبیر از یادگیری، دلالت‌های تربیتی بسیاری دارد و بندورا به ویژه نقش منفی آموزشی و تربیتی رسانه‌های عمومی که با تولید فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی به گونه‌ای غیرمستقیم انواع بدآموزی‌های رفتاری از قبیل خشونت، پرخاشگری و غیره را آموزش می‌دهند، تأکید و تعرض بسیار دارد. قهرمانان این فیلم‌ها با دست یازیدن به انواع رفتارهای پرخاشگرانه، مجرمانه و بزهکارانه مورد تحسین مخاطبان‌شان که از طریق یادگیری جانشینی با آنها همانندسازی کرده قرار می‌گیرند و به این ترتیب قبح رفتارهای ضداجتماعی را کاهش می‌دهند. شیوه و سازکار رفتار بزهکارانه را آموزش می‌دهند و رفتارهای ممنوعه از نظر هنجارهای حقوقی، اجتماعی و عرفی را به شکل رفتارهای معمول، عادی و حتی مطلوب- چه قهرمان فیلم یا داستان عامل آن است- در می‌آورند اگرچه در زمان ارائه این نظریه از سوی بندورا فضای سایبر در میان محیط‌ها و مراجع یادگیری مطرح نبوده است، لکن در حال حاضر شاهد بروز و ظهور فرایند و عوامل مورد توجه بندورا در وسعتی بیشتر و حتی تأثیرگذار تر در فضای سایبر هستیم؛ چراکه در حال حاضر با توجه به حضور مستمر و گسترده افراد در فضای سایبر و نیز قابلیت‌های فراوان فضای مجازی در ارائه الگوهای یادگیری شاهد ارائه تمامی آموزش‌ها و مشوق‌های بزهکارانه در فضای سایبر و به طور خاص تر توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی هستیم.

۱-۶- نظریه پنجره‌های شکسته

نظریه پنجره شکسته محصول فکری دو جرم‌شناس آمریکائی بهنام‌های جیمز ویلسون و جورج کلینگ بود.^۴ این دو کارشناس استدلال کردند که جرم نتیجه یک نابسامانی است. به‌عنوان مثال؛ اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرممت نشود آنکه تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی را دارد با مشاهده بی‌تفاوتی جامعه به این امر دست به شکستن شیشه دیگری خواهد زد. دیری نمی‌پاید که

¹ James Wilson & George Kelling⁴

شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آناشیشستی، بی‌قانونی و هرج و مرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله دیگر گسترش یافته و با خود اعلائم و پیام‌هایی را به همراه خواهد داشت. به عبارتی این پیام را می‌دهند که از این‌قرار؛ هرکاری را که بخواهید مجازید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود. (ملک محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸)

فردی به نام دیوید گان^۱ مدیریت سیستم مترو گمارده شد و پروژه چند میلیارد دلاری تغییر و بهبود سیستم مترو نیویورک آغاز شد. برنامه ریزان به وی توصیه کردند که خود را درگیر مسائل جزئی مانند گرفتگی نکنند و در عوض به تصحیح سیستمی بپردازد که به کلی در حال از هم پاشیدن بود؛ اما پاسخ این فرد بسیار عجیب بود. دیوید گان گفت: گرفتگی است که سمبل از هم پاشیده شدن سیستم است باید جلوی آن را به هر بهایی گرفت. «از نظر او بدون برنده شدن در جنگ با گرفتگی تمام تغییرات فیزیکی که شما انجام می‌دهید محکوم به نابودی است. قطار جدیدی می‌گذارید اما به بیش از یک روز دوام نمی‌آورد، رنگ و نقاشی و خط‌های عجیب بر روی آن نمایان می‌شود و سپس نوبت به صندلی‌ها و داخل واگن‌ها و ... می‌رسد. گان در قلب محله خطرناک هارلم یک کارگاه بزرگ تعمیر و نقاشی واگن بر پا کرد. واگن‌هایی که روی آن‌ها گرفتگی کشیده می‌شد بلافاصله به آنجا منتقل می‌شدند. به دستور او تعمیرکاران سه روز صبر می‌کردند تا بر و بچه‌های محله خوب واگن را کثیف کنند و هر کاری دلشان می‌خواهد از نقاشی و غیره بکنند بعد دستور می‌داد شبانه واگن را رنگ بزنند و صبح زود روی خط قرار دهند. بدین ترتیب زحمت سه روز آن‌ها به هدر رفته بود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲)

قلب این نظریه اینجاست که این تغییرات لازم نیست بنیادی و اساسی باشند بلکه تغییراتی کوچک چون از بین بردن گرفتگی و یا جلوگیری از تقلب در خرید بلیت قطار می‌تواند تحولی سریع و ناگهانی و اپیدمیک را در جامعه به وجود آورده به ناگاه جرائم بزرگ را نیز به‌طور باورنکردنی کاهش دهد. این تفکر در زمان خود پدیده‌های رادیکال و غیرواقعی محسوب می‌شد؛ اما سیر تحولات، درستی نظریه

ویلسون و کلینگ را به اثبات رساند. آیا این نظریه درجاها و موارد دیگر نیز کاربرد دارد؟ آیا این نظریه در سایر کشورهای جهان کارایی دارد؟ آیا موفقیتی که در شهر نیویورک رخ داد، یک موفقیت اتفاقی بود یا این دو کارشناس و جرم‌شناس به حقیقت انکارناپذیر دست گذاشته بودند؟

باید اشاره کرد که یکی از انتقادهایی که بر این نظریه وارد است دخالت بیش‌ازحد، همراه با سخت‌گیری پلیس نسبت به شهروندان است. همچنین افزایش موارد سوءاستفاده پلیس از قدرت، موجب ناراضی شهروندان و نهایتاً رودررویی آن‌ها با دولت را در پی خواهد داشت، درحالی‌که ضرورت همکاری مردم در مبارزه مؤثر با جرم در یک کشور، همواره امری اجتناب‌ناپذیر است. در اقتصاد، پس نگرفتن جنس فروخته‌شده یا معطل شدن پشت تلفن برای راهنمایی گرفتن برای تعمیر یک وسیله و شنیدن چندباره موزیک انتظار، نوعی از پنجره شکسته است.

همان‌طوری که در توضیح نظریه پنجره‌های شکسته بیان شد، وضعیت اجتماعی و نگاه متولیان جامعه به نابسامانی‌های موجود در بروز جرائم مؤثر می‌باشند. طبق این نظریه، ظاهر آشفته جامعه و هرج و مرج بر بزهکاری افراد اثر داشته و ظاهر آراسته و منظم یک محیط به‌عنوان عاملی در پیشگیری از وقوع جرم مطرح می‌باشد. هشدارها و علائم بازدارنده در جامعه موجب می‌گردد انسان مراقب اعمال و رفتار خود بوده و با مشاهده آن‌ها و ترس از عواقب آن (مجازات)، نوعی خودکنترلی ایجاد گردد. این خودکنترلی که نوعی پیشگیری وضعی از وقوع جرم بوده، در کاربران فضای مجازی کمتر دیده می‌شود.

اینترنت محیطی است که فارغ از هرگونه کنترل و نظارتی محسوب می‌شود. هرچند بررسی‌های کامل‌تر نشان دهنده غلط بودن این تصور رایج است، اما همین ذهنیت موجب گردیده تعدادی از کاربران در فضای مجازی برای خود هنجارهای جدیدی تعریف کرده و میان عملکردهای خود در فضاهای حقیقی و مجازی تفکیک قائل شوند. این تصور اشتباه باعث می‌شود کاربران تصور کنند روابط میان آن‌ها با سایر کاربران از قوانین اخلاقی و قانونی تبعیت نخواهد کرد. این نگاه نادرست

بستر تولید ناهنجاری‌های مجازی شده و به مرور زمان جرائم سایبری نیز از درون همین ناهنجاری‌ها متولد می‌شوند. (باستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۱)

هرگونه عمل مجرمانه در دنیای فیزیکی، مجازات تعریف شده‌ای داشته و این امر به‌نوعی برای کسانی که درصدد انجام اعمال مجرمانه هستند، عامل بازدارنده محسوب می‌گردد. در صورتی که اینترنت در عمل مفهوم مرزهای فیزیکی و فرهنگی را متحول نموده و محیطی جهانی را برای کاربران رقم زده است. در این فضای دیجیتالی، اینکه یک کاربر از چه کشور یا کدام دیدگاه فرهنگی از خدمات این فضا استفاده می‌کند، مهم نیست. همین امر موجب شده است تعدادی از کاربران تصور کنند که بروز ناهنجاری در اینترنت عملی بدون پیامد بوده و با همین توجه، در فعالیت‌های سایبری خود، هنجارهایی را زیر پا می‌گذارند که در محیط‌های حقیقی از انجام آن ابا داشته‌اند. در واقع کاربران فضای مجازی، خود را در محیطی نابسامان و بدون هرگونه علائم هشداردهنده‌ای یافته که بسترساز هرگونه رفتار پرخطر و مجرمانه سایبری خواهد بود.

۱-۷- دیدگاه انتخاب معقول

نظریه انتخاب معقول یا گزینش عقلانی جرم یکی از جدیدترین صورت‌های تبیین‌های ساختی کجروی است که نتلر آن را ارائه کرده است (نجفی توانا ۱۳۹۳: ۸۵). این دیدگاه بر روند تصمیم‌گیری بزهکار تمرکز دارد و فرض اصلی آن به این صورت است که بزهکاری رفتاری ارادی است که هدف آن سود رساندن به بزهکار است. بزهکاران در زمان ارتکاب جرم اهداف مخصوص به خود را دارند ولو اینکه این هدف‌ها کوتاه‌بینانه بوده و تنها منافع و مضار اندکی را مورد محاسبه قرار داده باشند و به اصطلاح مرتکب تا نوک دماغ خود را دیده باشد.

هر دسته از بزهکاران، محاسبات متفاوتی را در ارتکاب جرم مدنظر قرار می‌دهند. این حساب‌گری‌ها شرایط انتخاب آماج بزه را تعیین می‌کنند. به عنوان مثال دزدانی که به خاطر تفریح ماشین می‌دزدند، اتومبیلی را برای سرقت انتخاب خواهند کرد که شتاب بالایی داشته و برای رانندگی لذت‌بخش باشد، سارقین اوراچی، ماشینی را می‌دزدند که قطعات آن کمیاب و گران باشد. کسانی که ماشین را برای فروش مجدد

سرقت می‌کنند، معمولاً ماشین‌های لوکس و قابل فروش را سرقت می‌کنند. در سرقت ماشین برای استفاده از آن در عملیات اجرایی جرایم دیگری مانند سرقت مسلحانه، سارق احتمالاً بالا بودن شتاب و سالم بودن موتور و قابلیت اعتماد به کارکرد آن را در نظر خواهد گرفت. برعکس، کسانی که فقط می‌خواهند ماشینی را بدزدند تا خود را به مقصدی برسانند، ممکن است ماشینی را انتخاب کنند که دزدیدن آن راحت‌تر باشد. دیدگاه انتخاب معقول، تلاش دارد دنیا از منظر بزهکاران ببیند. این نظریه به دنبال درک آن است که چگونه بزهکار ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند. نظریه انتخاب معقول این تصور را از بزهکار دارد که وی پیش از عمل تفکر می‌کند (ولو برای چند لحظه) و لاقلاً برخی از منافع و هزینه‌های ارتکاب بزه را محاسبه می‌کند. معمولاً، محاسبات بزهکاران مبتنی بر اموری است که آشکارتر و فوری‌تر است و عموماً از هزینه‌ها و منافع دور دست جرم غافل می‌شوند. بر همین اساس هم، بزهکاران عادی توجه بسیار کمی به مجازات احتمالی یا صدمات دراز مدت جرم یا خطر دستگیری در محل ارتکاب جرم، معطوف می‌کنند.

پیروان این نظریه مطالعات متفاوتی را در راستای تکامل و توسعه نظر خود انجام داده‌اند. مثلاً در یکی از مطالعات انجام شده در این رابطه، از بزهکاران خواسته شد سؤالاتی را در مورد جرایم خود (آنچه که می‌خواسته، آنچه که فکر می‌کرده و آنچه که عمل کرده‌اند)، پاسخ دهند. به عنوان مثال محققین سارقین را سوار بر ماشین از خیابان‌ها عبور داده و با نشان دادن ماشین‌ها، از آنان سؤال می‌کردند که چرا ماشینی را که در خیابان پارک شده سرقت می‌کنند و ماشین دیگری در کنار آن را، نمی‌دزدند؟ چرا به خانه‌ای دستبرد می‌زنند و به خانه‌ای دیگر دستبرد نمی‌زنند؟ چرا زمانی سرقت می‌کنند و زمانی دیگر نمی‌کنند؟ آنان با جمع‌آوری پاسخ‌ها، به دنبال کشف قواعد حاکم بر تفکر بزهکاران و ابداع راهکارهای پیشگیرانه متناسب با این واقعیت‌ها بوده‌اند. گروهی دیگر از محققین با اشخاصی که اجناس را از مغازه‌ها به سرقت می‌برند، همراه شدند تا ببینند که آنها چه اقلامی را برای ربودن انتخاب کرده‌اند. نحوه چیدن قفسه چه تأثیری بر انتخاب آنان داشته است و آنها در مورد عمل غیرقانونی خود، چه تصویری دارند.

ظهور و رشد جنبش‌های ترحم مدار و جرم مدار، توسعه روز افزون نهادهای غیر کیفری و منطقه‌ای همراه با جهانی شدن رویکردهای حقوق بشری، سیاست جنایی تقنینی کشورها را در حوزه‌های جرم انگارانه اعمال غیر مجاز و گزینش پاسخ‌های کیفری تحت تأثیر قرار داده است. حال باید این را اذعان داشت که امروزه تلاش می‌شود تا در امر جرم انگاری از مداخله حداکثری دولت در مسأله پاسخ دهی به اعمال ضد اجتماعی ممانعت به عمل آمده و دامنه اختیارات آن محدود شود و نیز از دیگر نهادها و مراجع رسمی در این زمینه بهره مند شد.

از آنجا که قانون گذار کیفری ایران با تنظیم مقررات آیین دادرسی و ضمانت اجرای کنترلی (پایشی) و نیز اهمیت مقوله نظم و امنیت اجتماعی دست به جرم انگاری رفتارهای مبنی بر نظریات جرم شناسی امنیت مدار اقدام نموده است و این مهم را می‌توان در ترتیب جرم انگاری جرایم در قانون مشاهده نمود که ابتدا به مقوله جرایم علیه امنیت و آسایش و نیز علیه اموال و مالکیت و بعد جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و نهایتاً جرایم علیه اشخاص اشاره کرد. فضای سایبر یا به عبارتی فضای مجازی محدودیت‌های زمانی، جغرافیایی و فضایی که بشر امروز با آن در ستیز است را از بین خواهد برد. امکانات عصر مجازی در مقایسه با عالم واقع بسیار زیاد است، به عنوان مثال، اقتصاد مجازی، تجارت مجازی، بانکداری مجازی، آموزش مجازی، دولت مجازی، ادارات مجازی، شرکت‌های مجازی، پول مجازی و خدمات و تفریحات مجازی بخشی از آن‌ها می‌باشند. با توسعه و تحول اینترنت و پیشرفت علم الکترونیک، در مقابل انقلاب عظیمی در ایجاد جرائم در سطح بین‌المللی به وجود آمده است. در این فصل به بررسی مبانی افتراقی خاص جرم انگاری و تحلیل جایگاه قانون جرایم رایانه‌ای از منظر و بستر نظریات جرم شناسی مورد تحلیل قرار گرفت که ثمره آن را در موارد و مصادیقی چون نظریات تقلید، فرصت جرم و یا فشار در جرایمی چون کلاهبرداری رایانه‌ای، دسترسی غیر مجاز و ... می‌توان به صورت محسوس مشاهده کرد

نتیجه‌گیری

قانونگذار کیفری از جرم‌انگاری یک رفتار اهداف خاصی را دنبال می‌کند لکن هنگامی که این جرم‌انگاری بدون معیار و ضابطه صورت گیرد نه تنها این اهداف محقق نمی‌شود بلکه چهره دستگاه عدالت کیفری مخدوش می‌گردد. بنابراین برای جرم شمردن یک رفتار ضروری است اصول و قواعد حقوق کیفری و اقتضائات خاص یک جرم کاملاً رعایت شود در واقع جرم‌انگاری رفتار کاربران فضای سایبر باید به‌عنوان آخرین حربه نگریده شده شود. «احترام به حریم خصوصی و رعایت موازین حقوق بشری» مقوله مهم دیگری است که برای جرم شمردن یک رفتار در محیط سایبر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. به جهت ویژگی‌های خاص بزه‌های رایانه‌ای «تناسب بین جرم و مجازات» و فردی کردن مجازات ضرورتی مضاعف دارد. همچنین با توجه به نوین بودن جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری بدون عنایت به ابزار و وسایل موجود دستگاه عدالت کیفری از مرحله شناسایی جرم تا تعقیب و دستگیری مجرم و در نهایت اعمال مجازات، موجب ناکامی در عمل و لطمه به اقتدار حقوق کیفری می‌شود. برخی از ویژگی‌های جرائم سایبری که از یک سو بر ضرورت رعایت دقت و ضابطه در جرم‌انگاری می‌افزاید و از سوی دیگر اقتضائات خاصی را در امر جرم‌انگاری موجب می‌شود عبارتند از: سن و جنس مجرمان، فرامرزی بودن جرم، گستردگی خسارت و بزه دیده این جرائم، پیشرفت سریع و به‌روز این فناوری و انگیزه و روحیه خاص مجرمان سایبر.

پژوهش در باره‌ی بزهکاری رایانه‌ای به ما امکان می‌دهد تا چگونگی و چرایی به‌کارگیری فناوری‌های رایانه‌ای توسط بزهکاران را در رفتارهای بزهکارانه شان درک کنیم. یک بزهکار، برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای از یکسو بر فرصت‌هایی که فضای سایبر به‌عنوان یک جهان نوپدید پیش روی وی نهاده، تکیه می‌کند و از رهگذر مجازی انگاشتن این فضا و هرچه در آن است، واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی آن را نادیده گرفته و به لطف گمنامی اعطا شده در این فضا یا بهره‌گیری از ابزارهای پنهان نگاری و رمزنگاری، در مقایسه با جهان خاکی بسیار آسان‌تر و کم هزینه‌تر مرتکب جرم می‌شود. همچنین، وابستگی روزافزون انسان امروزی به فناوری‌های اطلاعاتی و

ارتباطاتی و انتقال همه‌ی امور اداری، آموزشی، سرگرمی، تجاری، اقتصادی، پولی و بانکی و فرهنگی به این فضا، موجب پیدایش طیف گسترده‌ای از آماج‌های گوناگون شده و آرمان‌شهری برای بزهکاران فراهم آمده است.

شناسایی ماهیت و ویژگی‌های جرم برانگیز فضای سایبر در کنار شناخت عوامل فردی کنشگران این فضا به ویژه بزهکاران، به پیش‌بینی تدابیر پیشگیرانه‌ی اثربخش‌تر و کاربردی‌تر کمک خواهد کرد. این تدابیر که نوعاً جلوه‌ی فناوری‌های اصطلاحاً وضعیت‌ی دارند، به‌نوبه‌ی خود می‌توانند حساسیت‌ها و پیامدهایی را برانگیزند و به اعضای جامعه‌ی اطلاعاتی تحمیل کنند؛ پس شناخت درست و واقع بینانه‌ی آن‌ها می‌تواند فرصت‌ها و فناوری‌های جنایی رایانه‌ای را با اثربخشی بیشتری برچیند و کم‌ترین محدودیت‌ها و آزرده‌گی‌ها به دیگران تحمیل شود. به‌کارگیری تدبیرهایی مانند اقسام نظارت‌های الکترونیکی، پالایه‌ها، اقسام مؤیدها (مانند مؤیدهای سنی یا حرفه‌ای) همگی در گرو شناخت عوامل فردی و محیطی بزهکاری رایانه‌ای است که در این نوشتار به‌طور اجمالی شرح آن آمد و در نوشتارهای بعدی نقش‌آفرینی آن‌ها با نگاه تخصصی‌تر دنبال خواهد شد.

کیفرگزینی مهم‌ترین و شاخص‌ترین قسمت رویه قضایی در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه است. در واقع رویه قضایی در امور کیفری بیشتر از هر چیزی تابع کیفرگزینی است. دلیل این امر این است که قانونگذار در راستای واقعی و فردی کردن پرونده‌های کیفری، اختیارات عدیده‌ای به قضات می‌دهد تا لزوماً در پی تعیین کیفر قانونی نباشند و با توجه به این اختیارات، کیفری را تعیین کنند که نه تنها اهداف حقوق کیفری را مدنظر داشته باشد، بلکه متناسب با جرم ارتكابی و البته مرتکب آن باشد. این اختیارات عدیده مایه اصلی رویه قضایی می‌شود که خود هویت مستقلی پیدا می‌کند و جدا از منابع اصلی حقوق کیفری و به ویژه قانون قابل تحلیل و ارزیابی است.

جرائم سایبری طیفی جدید از جرائم است که به جهت تبلور فضایی جدید به نام محیط تبادل اطلاعات یا محیط سایبر شکل گرفته‌اند. ویژگی‌های این قبیل جرائم از منظر بستر جرم، موضوع مورد حمایت، مرتکب و مانند اینها سبب شده است تا رویه

قضایی به ویژه در زمینه کیفر‌گزینی، متفاوت از دیگر جرائم به نظر برسد. اینکه پس از گذشت کمتر از یک دهه از تصویب قوانین مرتبط با نقض هنجارهای رایانه‌ای و سایبری و به طور ویژه قانون جرائم رایانه‌ای مصوب خرداد ۱۳۸۸، رویه قضایی مشخصی با محوریت کیفر‌گزینی در ایران شکل گرفته است یا خیر، منوط به درک رویکردهای گوناگون در تعیین قضایی کیفر برای مجرمان سایبری از یک سو و لحاظ رویه قضایی ایران دست کم به شیوه استقرای ناقص از سوی دیگر است. هر چند عدم بررسی رویه قضایی ایران و تحلیل همه یا بیشتر آرای قضایی به عنوان یک آسیب جدی در ادبیات حقوقی ایران به شمار می‌رود، ولی دلایل عدم بررسی آن به جهات مختلف مانند عدم انتشار همه آرای کیفری، عدم ارتباط تنگاتنگ دستگاه قضایی و دانشگاه‌ها و در نتیجه عدم تبادل فراگیر اندیش‌ها و نیز دگرگونی‌های عدیده قوانین کیفری که مجال برای شکل‌گیری رویه قضایی مستمر و محکم باقی نمی‌گذارد، تا اندازه‌های قابل توجیه است.

منابع:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- ۲- اعظم کریمانی، علی، ۱۳۸۹، پیشگیری و وضعی اختصاصی از جرایم، عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.
- ۳- احسانی، بهمن، ۱۳۸۹، نقش طراحی محیط در پیشگیری از جرم، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.
- ۴- اسماعیل زاده، یعقوب / اسماعیل زاده، حسن، ۱۳۸۹، عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.
- ۵- الما سی، مجید، ۱۳۸۹، پیشگیری از سرقت اموال عمومی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.
- ۶- برآبادی، محمود، ۱۳۸۰، پیاده در شهر، مجله شهرداری ها، سال ششم، شماره شصت و هفت.
- ۷- باتم، وینتر/ ولاند، جیک، ۱۳۸۰، شهر امن با نور پردازی، ترجمه فریبرز بهروزفر، مجله شهرداری ها، سال سوم، شماره بیست و هشت.
- ۸- بیانلو، یوسف / منصوریان، محمد کریم، ۱۳۸۸، بررسی جغرافیایی جرم وساختار جمعیتی مرتکبان انواع جرایم در شهر شیراز، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره یازدهم - تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ۹- پرادل، ژان، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ چهارم. تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- جعفریان، حسن / چوپانی رستمی، محسن / مدبر، لیلا، ۱۳۸۷، تبیین جایگاه پیشگیری وضعی در کاهش ارتکاب جرم، مجله پلیس زن، سال دوم - شماره پنجم.
- ۱۱- جعفریان، محمدحسن / مرشدی، مسعود، ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب مکان جرم از سوی سارقان منازل، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.
- ۱۲- حناچی، مسعود/ مژگانی، پروانه، ۱۳۸۹، پروانه، پیشگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم (۱۳۸۷)، تهران، ناجی نشر.

- ۱۳ - حسینیون، سولماز، ۱۳۸۲، رنگ در شهر از دیدگاه طراحی شهری، مجله شهرداری ها، سال چهارم، شماره سی و نه .
- ۱۴ - خوش نمک، زهره، ۱۳۸۰، فضاهاى بدون دفاع ناشناخته برای مسئولان شهری، مجله شهرداری ها، سال سوم - شماره سی و چهارم .
- ۱۵ - داداشی، محمدرضا، ۱۳۸۲، پایانه های اتوبوس درون شهری را چگونه طراحی کنیم؟، مجله شهرداری ها، سال چهارم، شماره چهل و هشت .
- ۱۶ - رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۳، رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم، مجله قضایی حقوق دادگستری، شماره ی چهل و نه و چهل و هشت .
- ۱۷ - رضوی، نیلوفر، ۱۳۷۹، روشنایی شهر نیاز یا تحمل، مجله شهرداری ها، سال دوم، شماره شانزدهم .
- ۱۸ - رضایی، مهرانگیز/ برتاو، عیسی/ رایجی، سیدعباس، ۱۳۸۸، تحلیل قضایی و پیشگیری از جرم با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره یازدهم .
- ۱۹ - رحمت، محمدرضا، ۱۳۸۸، پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، راهکارهای نوین پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان .

منابع لاتین

1. Abe David Lowell, and Kathryn Arnold, Corporate Crime after 2000: A New Law Enforcement Challenge, American Criminal Law review, volume 40. 2003, p:221
2. Ahankhani, Hamid and Al-Nemrat, Ameer. 2010.
3. Ahmad Kamal. 2005. The Law of Cyberspace. An Invitation to the Table of Negotiations, Published by United Nations Institute for Training and Research, p:194
4. Alder, Freda & Muller, Gerhard & Laufer, William. 1996. the criminal justice: the core, U.S.A. Mc Graw.
5. Alfredo, David, Causes of cyber crime: available at: www.ehow.com
6. Babchishin, Kelly M. Hanson, R. Karl and Hermann, Chantal A. 2011. The Characteristics of Online Sex Offenders: A Meta-Analysis, Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment, 23. 1. 92-123.

7. Brenner, Susan, Toward a Criminal Law for Cyberspace: Distributed Security, university of Dayton School of law,p:55
8. Britton, Dana M. 2011. the Gender of Crime, New York: Rowman & Littlefield Publishers.
9. Carey, Peter, Media Law, sweet&Maxwell, Second Edition, London, 1999, p:176
10. Chiesa, Raoul, Ducci, Stefania and Ciappi, Silvio. 2009. Profiling Hackers: The Science of Criminal Profiling as Applied to the World of Hacking, Boca Raton: Taylor & Francis Group Auerbach Publications.
11. Chiesa, Raoul. 2009. Profiling Hackers: Real Data, Real Experiences, Wrong Myths and the Hacker Profiling Project (HPP). Virus Bulletin. Available at: www.virusbtn.com/pdf/conference.../Chiesa-VB2009.pdf.